

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

شعر از معین الدین محمدی
فرستنده: محمود شاداب
۲۳ مارچ ۲۰۱۵

برای فرخنده دخترک معصوم تنها وبی دفاعی که مظلومانه جان داد

منم فرخنده خونین

منم فرخنده خونین
منم با درد او همراه
چه تنها و چه بیکس بود
میان گله گفتار
کدامین سوره قرآن چنین حکمی روان کرده
الا ای مرد بی غیرت
پُر از شرم ز رفتارت
تو با آن دختر تنها که چشمانش پُر از غم بود
چرا اینسان ستم کردی
مگر تو حاکم شرعی
مگر احکام دین دانی
اگر مردی شده اینسان
من از مردی پشیمانم
دگر نامم نباشد مرد
شدم فرخنده از امروز
شدم چون آن زن تنها
که با آن صورت خونین
ز چنگال شما جان داد
و با مرگش بزد فریاد
که ای انسان نمان ساکت
بشو فریاد و عصیان کن
که پایان شب ظلمت

رسد با نورِ بیداری
به پا خیز ای آبر انسان
واز اهریمن بد خو
که با آن مردم وحشی
بشد همدست و زجرم داد
ستان حقم نشین خاموش
بزن بر قلب نادانی
که این جهل بیابانی
شده مُستوجب ذلت
رها کن مغز و افکارت
از این پندار پُر نکبت
منم فرخنده ام آری
معین الدین نباشم من
منم با او در این سختی
بلا شک همدم و همراه
منم فرخنده ام امروز
منم فرخنده ام فردا
منم فرخنده ام هر روز